

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واژه‌نامه گویش خانیک

تألیف

دکتر زهرا اختیاری

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

سرشناسه	: اختیاری، زهرا، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	: واژه‌نامه گویش خانیک، زهرا اختیاری
مشخصات نشر	: مشهد: محقق، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۷۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۷۲-۵۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: گویش خانیک -- واژه نامه
رده بندی کنگره	: PIR۷۹۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۱۸۵۰۱۵

انتشارات

محقق



واژه‌نامه گویش خانیک

تألیف: دکتر زهرا اختیاری

قطع وزیری، ۳۷۴ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۹۳

امور فنی و چاپ: چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۷۲-۵۶-۵

قیمت: ۱۵,۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

Email: ekhtiari@ferdowsi.um.ac.ir

فهرست

۷	 نامه
۹	 خانیک در یک نگاه
۱۳	 ادبیت در آینه آرایش خانیک
۱۴	 روش آرا
۱۷	 علائم اختصاصی
۱۸	 نشانه‌های آوانگاری
۲۱	 نقشه‌ها
۲۵	 واژه‌نامه گویش خانیک
۲۷	 آ، â
۲۹	 آ، à
۳۳	 آ، a
۵۵	 ای، e
۶۱	 او، o، u، aw، ow
۶۹	 ب، b
۹۳	 پ، p
۱۱۵	 ت، t
۱۲۷	 ج، j
۱۳۳	 چ، č

١٤٣	 X	خ
١٦١	 d	د
١٧٩	 r	ر
١٨٥	 Z	ز، ض، ظ
١٩١	 S	س، ص، ث
٢٠٥	 š	ش
٢١٥	 f	ف
٢١٩	 q	ق، گ
٢٢٢	 k	ک
٢٤٧	 g	گ
٢٥٧	 l	ل
٢٦٣	 m	م
٢٧٣	 n	ن
٢٨١	 v	و
٣٠١	 h	ح، ه
٣٠٧	 y	ی
٣١١		برخی ضرب‌المثل‌ها یا امثال و حکم خائیک
٣٦٩		کتاب‌نامه

مقدمه

گویش‌ها منابع مهم برای فرهنگ کهن و چند هزار ساله این سرزمین بوده و گنجینه‌ای از لغات و اصطلاحات کهن و منابع مهمی از سیرات واجبی و آوایی به شمار می‌روند که برای درک بهتر متون کهن و نیز واژه‌سازی از نظر زبانشناسی بسیار مهم است. به بیان دیگر «گویش‌های زبان فارسی با واژه‌های گوناگون ویژه خود، منابع سرشاری برای این زبان هستند» (ضایبی، ۱۳۷۳: ۱۰).

با شناخت بهتر گویش‌ها می‌توان به نحو درستی به شناخت زبان پی برد که از این جهت برای جامعه‌شناسان ابزاری کارآمد و مغتنم است. با این که گویش‌ها منابع سرشاری از کلمات و واژه‌های کهن را در خود دارند، اما در کمال تأسف، با سرعتی باور نکردنی در حال نابود شدن هستند.

یکی از گویش‌هایی که تاکنون در مطالعات مربوط به ریشه‌شناسی برخی بداهت‌ها نشده، گویش مردم خانیک است. کلمات و افعالی در گویش مردم روستای خانیک رایج است که باز مانده‌ای از زبان‌ها و گویش‌های کهن ایران بوده و یا ریشه در زبان‌های کهن دارد؛ مثل فعل‌های «هستی»، «آهنگ/هند» (هستند) که ساخت‌هایی از این افعال در زبان سنسکریت (کنت، ۱۳۸۴: ۵۶۰) و اوستا وجود داشته است (اشمیت، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۴؛ راشد محصل، ۱۳۶۴: جدول شماره ۱۲؛ و نیز: ۳۴، ۱۸۹۲، Jackson).

با بررسی و شناخت بیشتر این گویش، در می‌یابیم که برخی از فعل‌ها، کلمات و اصطلاحات رایج در آن به برطرف شدن بعضی مشکلات متون ادبی کهن کمک خواهد کرد، زیرا «ارتباط گویش‌ها و زبان ادبی متون کهن تا بدان حد است که بدون شناخت گویش‌ها، پی بردن به معنی یا ضبط دقیق برخی واژه‌های

ناشناخته و یا کم کاربرد متن‌های ادبی، دشوار و حتی غیرممکن است» (کیا، ۱۳۹۰، پیشگفتار: نه). گویش مردم خانیک به دلیل حفظ بسیاری از خصوصیات کهن خود، در رفع مشکلات متون کهن، مفید است؛ به طور مثال معنای کلمه «هند» در شرح دیوان ناصر خسرو مشخص نشده و با شک و تردید و همراه با علامت سؤال به شکل «هند؟» (ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۴۳۴) تصحیح شده است؛ در حالی که «هند»، فعل سوم شخص جمع بوده و در گویش خانیک رایج است.

این واژه‌نامه، حاصل پژوهشی گسترده در حوزه گویش روستای خانیک است که نگارنده آن را از حدود سال ۱۳۸۷ آغاز کرده است. دو مقاله در مورد این گویش در مجلات علمی-پژوهشی، به قلم نگارنده، منتشر شده است^۱ و در همین زمینه چند طرح پژوهشی در حال انجام است که ان شاء الله به زودی به محضر ارباب تهیق^۲ بندهم خواهد شد.

لازم به ذکر است که این کتاب، برپایه سخنرانی‌های علمی و مقالاتی که به صورت طرح پژوهشی در دانشگاه فردوسی مورد تصویب قرار گرفته و داده نشر است. عناوین برخی از طرح‌ها عبارتند از:

۱. توصیف فعل در گویش خانیک، توصیف شناسه در گویش خانیک، ۳. فعل «ماسته» در گویش خانیک، ۴. فعل‌های کهن در گویش خانیک، افعال و اصطلاحات مربوط به گیاهان و حیوانات، آب و بارندگی در گویش خانیک، ...

اولین بار از سال ۱۳۶۲ بود که یادداشت‌هایی در مورد گویش خانیک توسط نگارنده تهیه گردید و در سال ۱۳۸۷ از طریق مصاحبه با گویشوران و با استفاده از پیشینه‌های شاکله اصلی این پژوهش فراهم آمد. در چند سال اخیر، تقریباً کمتر زمانی بود که روز و شب در اندیشه جمع‌آوری و تدوین این فرهنگ نباشم. هر زمان که لغت یا فعلی به مناسبتی یاد می‌آمد و یا از کسی می‌شنیدم، آن را یادداشت می‌کردم. بارها پیش می‌آمد که در سفر، کلمه یا اصطلاحی به ذهنم می‌رسید و همان لحظه، سفره را برای یادداشت آن، ترک می‌کردم. گاهی در مسیر راه، در گفتگو با دوستی، یا حتی در کلاس درس و جلسات علمی به مناسبتی، کلمه یا اصطلاحی گویشی به ذهنم تداعی می‌شد و فوراً آن را یادداشت و ثبت می‌کردم؛ به عنوان نمونه، روزی در

صف نانوایی بودم و وقتی قسمتی از موهای جلوی سر پسرک نان فروش کمی سوخته بود، به یادم آمد که مردم خانیک به این گونه موی سوخته شده، می گویند: «وَبَجِيدَه». تقریباً هر شب کلمات جدید را از میان یادداشت ها در رایانه ثبت می کردم. ضبط و ثبت برخی اصطلاحات یا افعال چنان برای خودم شیرین می نمود که گاه ذوق می کردم و برخی اوقات نیز برخورد نهیب می زدم که این تویی طاووس علین شده.

خانیک در یک نگاه

۱. موقعیت جغرافیای خانیک

روستای سیلا، زیبا، خوش آب و هوای خانیک روی ارتفاعات سیاه کوه قرار دارد. بلندی سیاه کوه در کوه های خانیک تقریباً به ۲۸ متر و ارتفاع روستا از سطح دریا در قسمت های مختلف حدود ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر است. طول جغرافیای خانیک ۵۸/۳۳ و عرض جغرافیایی آن ۳۴/۰۸ است (پاپلی، ۱۳۶۷: ۲۱۹). روستا مربوط به دوران چهارم زمین شناسی است (حجازی، ۱۳۸۲: ۱۵). در قسمت جنوبی خانیک، روستاهای شهرستان فردوس قرار دارد. در شرق بعد از روستاهای کارشک و ایدو، شهرستان کاخک و در مغرب و شمال غربی بعد از روستاهای کرمانجک و (صالح آباد) و میمند، روستاهای کلات و زبید و سنو قرار می گیرند. در شمال آن، روستای دیسفان است. تنها راه عبور و مرور ماشین رو و آسفالت روستا از دیسفان می گذرد. از خانیک تا جاده کلات به کاخک، ۱۲ کیلومتر و تا شهرستان گناباد ۳۲ کیلومتر است. منازل روستا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دارای آب، برق، تلفن و گاز شده است، نیز جاده آن آسفالت و مسیر بیشتری است، و آب روستا.

معنای کلمه خانیک در فرهنگ های فارسی نیامده است. خانیک کلمه ای پهلوی است. چشمه، چاه آب، اصلی، سرچشمه ای و اساسی است (فرهوشی، ۱۳۸۱: ۶۲۴). دهخدا به نقل از فرهنگ خطایی ایران، جلد ۹، خانیک را چنین معرفی می کند: «دهی است از دهستان کاخک بخش جویمند حومه شهرستان گناباد، واقع در ۲۶ هزار گری جنوب باختری شوسه فرعی گناباد به فردوس. این دهکده کوهستانی و هوایش گرم و سکنه اش ۱۰۷۱ تن است. مذهب اهالی شیعه و زبان آنها فارسی است. آب آنجا از قنات و محصول آنجا پنبه و ترباک و شغل اهالی زراعت و راه آن مال رو است» (دهخدا، لغت نامه: خانیک). پس از

خشکسالی‌های متمادی و نیز به دلیل مهاجرت به شهرها، این جمعیت بالای هزار نفری به کمتر از یک سوم تقلیل یافته است. طبق آماری که از سایت فرمانداری گناباد استخراج شد (اسفند ماه ۱۳۹۲)، جمعیت خانیک ۳۵۰ نفر و ۱۶۹ خانوار است. جمعیت روستا در فصول مختلف متغیر است. بیشتر مردم آن در شهرهای بزرگ از جمله تهران و مشهد مقیم‌اند. خیلی از ساکنان فعلی نیز در زمستان غالباً به شهرها می‌روند و در تابستان برمی‌گردند. به علاوه عده‌ای از روستاییان قدیم که اکنون مقیم شهرها هستند، در تابستان و دهه اول محرم عید روز به روستا می‌آیند.

۲ آب و هوا

روستا تابستانی خنک و آب و هوای تمیز، دلپذیر و مطبوعی دارد. در تابستان‌ها هوا نسبتاً معتدل و خنک و در زمستان‌ها بسیار سرد است. میزان بارندگی در دهه اخیر کمتر از چند دهه قبل از آن بوده است. بارندگی در بهار به صورت بارش در آبریز روستا بیشتر به شکل برف است. خانیک به دلیل خنکی هوا در تابستان و همچنین وجود قنات‌ها و چشمه‌هایی با آب خنک و شیرین و گوارا، آب‌انبار ندارد. تأمین آب: این روستا با وجود قرار گرفتن در منطقه کویری ایران، نسبتاً از بارش خوبی برخوردار بوده است. قنات‌های قدیمی و کهن و چشمه‌های دائمی روستا دارد. خانیک ۲۸ قنات و بیش از ۱۱ چشمه دائمی با اشجار و اراضی دارد؛ اگرچه در اثر خشکسالی بی‌سابقه دهه اخیر برخی از این‌ها خشک شده است. قنات‌های ده، دره، دره‌نو و ماه‌زود نسبتاً پر آب‌ترین قنات‌های روستا است. آب اغلب قنات‌ها و چشمه‌های روستا بسیار گوارا است. با این که خود روستا در داخل دره‌ای عمیق قرار دارد، اما غالب قنات‌ها در دره‌های متعدد اطراف و منشعب از دره اصلی واقع است (نگ: خُونک). آب کف‌بیدنی روستا در قبل از انقلاب از طریق آب قنات تأمین می‌شد، اما بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از چشمه‌های بالا دست روستا به داخل منازل لوله‌کشی شد و از سال (۱۳۸۹) به دلیل خشکسالی و کمبود آب کشاورزی، آب لوله‌کشی از طریق چاهی که در اطراف کاخک حفر شده، تأمین می‌گردد که آب گرمی نیست.

محصولات روستا فراوان و متنوع است؛ از جمله انواع فراورده‌های لبنی و دامی، انواع میوه‌ها و درختان و گیاهان نواحی معتدل و کوهستانی. میوه‌ها به خصوص انگورش لطافت خاصی دارد. اکثر کشت‌ها آبی و معدودی هم دیم است. دیم بیشتر به صورت درخت و درختچه کاشت می‌شود و بیشتر درختان و

درختچه‌های سماق و بادام که مردم کاشته‌اند. در مناطقی نیز خودرو و البته خیلی قدیمی و اندک، درختان بنه و توت و انجیر وجود دارد. گاه در نقاطی که چشمه‌مانند بوده، درخت خاصی از قبل توت، گردو و سنجد کاشته‌اند.

۳. حیوانات

حیواناتی که در داخل روستا یا کوه‌های آن زیست می‌کنند قابل تقسیم به دو گروه اصلی هستند:

الف. اهلی: میش و بز، الاغ، گاو، مرغ و خروس، بوقلمون، در گذشته اسب هم می‌داشتند.

ب. وحشی:

ب. ۱- روبه: کبوتر، پاکریم (موسی کوتقی)، قلیواچ (کلجداک)، جغد یا بوم (کفک)، کلاغ، کلاغ سبز، زاغ، کلاغ سیاه، مچمک (سوسلنگ)، مرغ زنبورخوار، باز، جغنه (پرنده‌ای شکاری)، شاهین، عقاب (حقاب)، فنج (ترج)، دارکوب، بل زرد (نوعی قناری رنگارنگ کم صدا)، بلبل (قناری کم رنگ خوش الحان و پر صدا)، سار (سار)، کاسک شاخ‌دار، بلدرچین (طوحی)، کبک (کوگ)، سیه‌سینه، پرستو (خاجی پرستوک)، انواع گنجشک، جالگ (شانه به سر یا پوپک).

ب. ۲- حیوانات و موجوداتی که به صورت وحشی در اهلی زندگی می‌کنند عبارتند از: آهو، وحشه (بز کوهی)، قوچ کوهی، سگ، خرگوش، لاک پشت، گربه، شغال، گرگ، پلنگ، کفتار، راسو (گربه‌راسو)، روباه. جوجه تیغی (سقره)، خار پشت (زیرک)، انواع مار سیاه، افس، ساسه (روڈولک)، نوعی سوسمار بزرگ با شکمی به پهنای حدود سی سانتی متر (بزچش)، مارمولک سوسمار، سگ کلاس (نوعی سوسمار سیاه و نسبتاً بزرگ در حدود سی سانتی متر درازا).

ب. ۳- حشرات: پروانه (بلبل)، کژدم (گژدم)، رتیل (اشر زتک)، آخوندک (گژده)، سرگن گردان (گه گلوئک)، نوعی سوسک درشت و خپل و سرمه‌ای رنگ (بالشت مار)، نوعی سوسک قدیمی و کندرو و سیاه (پسک)، مگس، مگس سرکه. مگس سگی، خرماگس، پشه. کک، خرخاکی (گاوخدا)، کرم خاکی (زلو).

۴. پوشش گیاهی یا گیاهان بومی خانیك

در روستای خانیك و کوه‌های مرتفع آن، انواع گیاهان رشد می‌کند، از قبیل:

الف- درختان میوه: جوز یا گردو، انواع بادام، انگور، زردآلو، گیلان، سیب، شفتالو و شلیل، سماق، توت، آلو، انجیر، سنجد، عتاب، پلپل سیاه، انار، به، زرشک. ب- درختان غیر مثمر یا بی‌میوه: درخت توت برای خوراک کرم ابریشم و دام (بلغ تودی)، چنار، سیدار، بید، نوعی درختچه شیشه بید، اما خیلی محکم که بیشتر برای دسته‌بیل استفاده می‌شود (شیو)، درختچه‌ای که با ترکه‌های باریک تربیت می‌شود بی بافتن سبد ((کُئید))، گل گلاب (گل گلاوی)، گل محمدی (گل آتشی). ب- گیاهانی که کاشت می‌شود:

گندم، جو، زردان، آبلو، عدس، نخود، ارزن و گاورس، مُلک (مُجک)، آفتاب‌گردان، یونجه، شبدر، پیاز، بادمجان، کدو حلوایی، طرفه کدو، گوجه فرنگی، سیب زمینی، خربزه و هندوانه، خیار، خیارسبز و چنبر، ماهو، کرفس، تره، جعفری، نازبو، مرزه (سبزی شاه)، گشنیز، شبت (شوید)، شنبلله (شمیلده)، سیاه‌دانه، شلغم، زردک، هویج، زنجبیل، فلفل قرمز (پلپل فرنگ)، گل همیشه بهار، یونجه، نخود، نعنای، چغندر، چغندر تخمی، از تخم، باغم تخمی، زردک تخمی، زردک، هویج.

ج- گیاهان و علف‌های خودرو که برخی نام‌ها را در زیر می‌آوریم:

ارغوان، آنک، بادمشک، بلغست کوهی، بلغست، بنفشه (دانه)، بومادران، پونه، پیاز عُمری، پی‌سرخ، ترخ آشی، ترخ سگی، ترخ، تغنک، تلخه، تلخه کوهی، جیره کوگی، چرخه، چس گرگ، چشم کبک، چل خارو، خار خری، خار شتری، خار علی، خار فرمک، خار کنگر، خرفه، خلوره، درگ، روغنک، زردک کوهی، والک (سِرْمک)، مُسْتک، باغم، سلمه شور، سه‌پایق، سو، سِهْک، لَاشْک، شاخ گاو، شوت، شودرک، شیر سگ، شیرمک، اس، علف جارو، علف زینا، پنجه مرغی (فرزگ)، قُدومه، کاکتی، کدیک، کرسم لوجویی، کُرْمک، کُنْی، کُئید، کوکنار (کُنگار) کوهی، گالک، گل درد چشم، گل زرد، گله گزرگنگ، گنده سالی، گنده سوز،

۱. برخی از علف‌ها و بوته‌هایی که نامشان را به گویش خانیك می‌دانم ذکر شده است، از ذکر آن عده از گیاهان بسیاری که جزو پوشش گیاهی خانیك است، اما نامشان را نمی‌دانم، صرف نظر شد. برای توضیح هر کدام به همان مدخل مراجعه شود.

گوشپره، گون، لاله ختایی، لاله سگی، مُجَالِق، مندیل، نازبو کوهی، نخود کوهی، نوجدک، نون جو، هندونه ابو جهل، یونجه گک.

اهمیت واژه‌نامه گویش خانیک

واژه‌نامه گویش خانیک علاوه بر در برداشتن لغات و اصطلاحاتی نو که در هیچ جا ضبط و ثبت نشده است، اصل تغییرات و لغاتی هم هست که روزگاری در خراسان بزرگ رواج داشته و رد پای برخی از آن‌ها در متون کهن نظم و نثر فارسی باقی مانده و امروزه از آن کلمات به عنوان واژه‌های ناشناخته تعبیر می‌شود. نیز کلمات گیش خانیکی را تصحیح متون، دست مصحح را می‌گیرد، تا کلمه صحیح را تشخیص دهد و این واژه‌نامه در زمینه، فسادرس اوست؛ مثل تعبیر «خوش کردا» (قاسمی گنابادی، ۹۸۲: ۶۱۱/ زبده الاشعار) یا «خوش کردا».

همچنین گویش خانیکی، سه براینیک فعلی که در فارسی معیار رایج است، بنا به نوع دقیق کاربردش، چندین فعل دارد که از این جهت بر غنا و رنگ زبان فارسی می‌افزاید؛ مثلاً فعل «چیدن» که در فارسی معیار برای چندین نوع چیدن به کار می‌رود، در گویش خانیکی حداقل بیش از نه معادل دارد، از جمله: ۱. رُفتا: چیدن گردو، بادام؛ ۲. وُرفتا: چیدن برگ درخت در شهریار و پاییز؛ ۳. بُری کردا: چیدن موی و پشم بز و میش؛ ۴. انگور چینی: چیدن انگور یک باغ؛ ۵. تَکَنَد: تکان دادن میوه درخت‌های توت و زردآلو و هلو؛ ۶. وچندا: چیدن و جدا کردن آلبالو و گیلاس از درخت؛ ۷. چَدا وُردا: چیدن خوشه‌های ارزن و گاورس؛ ۸. گل وُردا: چیدن گل زعفران. ۹. سماق وُردا: چیدن خوله درخت سماق. همین گونه است، در مورد کلمات و افعال مربوط به آبیاری، بارندگی، کشاورزی و دامداری.

نیز معرفی مکان‌های جغرافیایی که برخی از این مکان‌ها در هیچ منبعی ثبت یا معرفی نشده است، مانند: چمسه «کووده‌ها» یا غار شگفت و دست‌ساز نگ زول (نگ: لون تگ زول). غیر از این موارد فرهنگ عمومی و کهن روستا هم در ذیل لغات و هم در بخش ضرب‌المثل‌ها معرفی شده و در آن به نکاتی یگانه و

۱. نگ: ذیل همین مدخل‌ها.

۲. برای توضیح هر کدام از افعال و کلمات ذکر شده، به همان مدخل در واژه‌نامه مراجعه شود.

منحصر به فرد بر می‌خوریم که در هیچ کتابی ثبت نشده، اما از ده‌ها کتاب روان‌شناسی، عمیق‌تر درس زندگی را می‌آموزد.

روش کار:

تلاش در این واژه‌نامه بر این بود که همه واژه‌ها و اصطلاحاتی که در گویش خائیک رایج است و با فارسی معیار در تلفظ یا معنا تفاوت دارد، آورده شود. اساس کار ما بر رواج آن کلمات در بین گویشوران است. شاید چنانچه کلمات، لغات و اصطلاحات بر اساس آنچه از تلفظ کلمات به گوش می‌رسید و نیز بهره‌مندی از شناسایی زبان‌شناس بزرگ خراسانی، استاد دکتر رضا زمردیان و زنده یاد دکتر جمال رضایی بوده است. سعی کردیم به روش جدیدترین واژه‌نامه‌های گویشی که ناشران معتبری مثل فرهنگستان زبان فارسی منتشر کرده‌اند، عمل کنیم. دلیل، شیوه کتاب *واژه‌نامه گویش قاین* که در سال ۱۳۸۵ توسط فرهنگستان زبان فارسی منتشر شده است انتخاب شد. در آغاز قصد داشتیم که یک کلمه اصلی، مدخل باشد و کلمات و مشتقات مربوط به آن، دلیل همان مدخل آورده شود، اما چون تغییرات واجی در برخی کلمات، به حدی زیاد است که شکل کلمه تغییر می‌کند، ارجاع صرف نظر شد تا جوینده ذیل حروف، راحت‌تر به نتیجه برسد. برای بهره‌بری بیشتر محقق، به کلمه‌ای که در تکمیل معنا کمک می‌کرد، ارجاع نیز دادم.

در مواردی معرفی برخی مکان‌هایی که در هیچ جامع معرفی نشده، آمده و گاه توضیحاتی خاص در مورد برخی واژه‌ها داده شده که برای مطالعات خراسان‌شناسی و فرهنگ عامه و نیز جهت اطلاع جامعه‌شناسان از نظر بررسی جامعه روستایی، مفید خواهد بود. این کتاب از نظر نام گیاهان مختلف و البته ناشناخته‌ای که در کوه‌های خائیک موجود است، منبع بسیار مفیدی است برای دست‌یابی طب سنتی ایرانی و طبایبی که با گیاهان دارویی سر و کار دارند. سعی شده خاصیت گیاهان دارویی به‌کار رفته در کتاب ذکر شود.

حرف «ژ» در بین گویشوران سالمند خائیک کاربرد ندارد و به جای آن از «س» استفاده می‌کنند؛ مثلاً «مژه» را «مُوجه»، «ژاپن» را «جاپن» و «ژاله» را «جَالَه» تلفظ می‌کنند و به جای «پژمرده» از کلمه «دهولیده» استفاده می‌شود. نیز برخی کلمات، از جمله «اسپ»، «اسپاپ» (اسباب)، «لشگر»، «شگم» (شکم)، «یگ» (یک) اغلب به شکل قدیمی و با «پ» و «گ» تلفظ می‌شود. بعضی کلمات مثل «یک»، بسته به محل قرار گرفتن آن در جمله، به هر دو صورت «گگ» یا «کک» تلفظ می‌شود.

با تمام احترامی که برای وجود و حضور تک تک حروف الفبای فارسی قائلم و معتقدم که هر کدام از کلمات فرهنگ می‌بایست در ردیف مخصوص حروف الفبای فارسی قرار می‌گرفت، اما به ناچار شیوه متداول در فرهنگ‌های گویشی را عملی کردم و بر اساس صدایی که از تلفظ کلمه به گوش می‌رسد، بدون توجه به تفاوت حروف آن‌ها در زبان نوشتاری فارسی، تقسیم‌بندی صورت گرفت؛ مثلاً کلماتی که با حروف ذ، ز، ض و ظ، شروع می‌شود، همگی زیر عنوان حرف «ز» آمده است.

در پایان، از همکار و استاد گرانقدر و ارجمند جناب آقای دکتر محمد مهدی ناصح که همیشه مدیون بزرگواری و حسن نظر حضرتان بودهام، تشکر می‌کنم، نیز از پدر فاضلم، که استفاده از دانش آن جناب بر غنای این نوشتار افزود و مادر صبورم، که هر جا پرسشی داشتم، یاری‌رسانم بودند و هر دوی آن‌ها یک حرف و دو حرف بر زبان نفاظ بند و گفتن آموختند. امید دارم تا زنده هستم به پاسداشت زحماتشان، حافظ این گویش، که فرهنگ علمی ایرانی را پشتوانه خود دارد، باقی بمانم. نیز از همکاری‌های همسر مهربان و فرزند عزیزم تشکر می‌کنم. از همکار ارجمند سرکار خانم دکتر شهلا شریفی، عضو هیأت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی، که در این باره دست‌آورد آوانگاری همکاری داشتند، کمال سپاس و امتنان را دارم. از خواهرم خدیجه، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمشهری، که در نگارش این کتاب کمک کرد، سپاس‌گزارم. دکتر عبدالرسول و مهدی و خواهرم شهربانو، که در نگارش و تلفظ‌ها و معانی متن کمک کردند، سپاس‌گزارم. نیز از همکاری گویسوران ارجمند خانم‌ها عذرا و طاهره نقوی و سول قلی‌زاده. همچنین از جناب آقای جواد میزبان ویراستار دو مجله زبان‌شناسی و جستارهای ادبی که در نگارش این متن را بر عهده گرفتند تشکر می‌کنم. نیز از ناشر محترم که مقدمات نشر این اثر فرهنگی را فراهم نمودند و در چاپ آن مساعدت کردند، سپاس‌گزارم. همچنین از ناشر محترم که مقدمات نشر این اثر فرهنگی را فراهم نمودند و در چاپ آن مساعدت کردند، سپاس‌گزارم. همگی را از خداوند متعال خواستارم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۲۰ فروردین ۱۳۹۳ / ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ / آوریل ۲۰۱۴

زهرا اختیاری

مشهد مقدس